

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

بهرام رحمانی  
۰۳ جون ۲۰۱۷

## مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی نه، انتخابات جمهوری اسلامی آری!

دیروز رادیو فردا، رادیوی دولتی امریکا را گوش می‌کردم مناظره‌ای توجهم را جلب کرد. این مناظره به نام «مبارزه مسلحانه؛ روا یا ناروا؟»، بین فرخ نگهدار معروف و آسو حسن‌زاده، سخنگوی دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان بود.

فرخ نگهدار، پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، رابطه خوبی با برخی از سران حکومت اسلامی ایران برقرار کرد که این رابطه هنوز هم ادامه دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت فرخ نگهدار یکی از مبلغان جناح «اصلاح‌طلب» حکومت اسلامی ایران و به‌عنوان دستیار عطاءالله مهاجرانی یکی از وزرای دولت خاتمی فعالیت می‌کند. هر دوی این‌ها ساکن لندن هستند و مشتری دایمی رادیو بی‌بی‌سی. البته دوست نزدیک این‌ها، یعنی مسعود بهنود کارمند این رادیو است. نگهدار، یک پای ثابت مدافع یک جناح درونی حکومت اسلامی، به‌ویژه در رادیوهایی چون بی‌بی‌سی، رادیو فردا و... است.

نگهدار و بهنود در انتخابات اخیر ریاست جمهوری اسلامی ایران در مقابل سفارت ده‌ها هزار اعدام و تجاوز و شکنجه و ترور و استثمار این حکومت، با «افتخار» عکس گرفتند و رأی دادند.

بخشی مهمی از این مصاحبه، به تئوری مبارزه مسلحانه و یا پیش گرفتن روش اصلاحات گام‌به‌گام در مواجهه با حکومت اسلامی ایران است. نگهدار که زمانی با اسلحه و قرص سیانور حرکت می‌کرد امروز طرفداران مبارزه مسلحانه را خشونت‌طلب و جناح‌های حکومت اسلامی را اصلاح‌طلب می‌نامد! به عقیده نگهدار، طرفداران تاکتیک مبارزه مسلحانه خشونت تولید می‌کنند در حالی که حکومت اسلامی ایران گام‌به‌گام به سوی اصلاحات حرکت می‌کند. واقعاً باید گفت که این نظریه پرداز ما، شایسته جایزه صلح نوبل است!!

\*\*\*

مجری برنامه رادیو فردا می‌گوید: «این هفته در تابو با فرخ نگهدار از اعضای پیشین سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، و آسو حسن‌زاده، سخنگوی دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان، درباره مبارزه مسلحانه گفت‌وگو می‌کنیم.

اگر اجازه بفرمائید من این بحث را با آقای نگهدار آغاز می‌کنم. آقای نگهدار به عنوان فعال سیاسی که پیش از انقلاب خودتان عضو رده بالای سازمان چریک‌های فدائی بودید، در آن زمان به مبارزه مسلحانه اعتقاد داشتید و به نظرتان کارکرد داشت. چرا در آن زمان کارکرد داشت و شما چرا در آن زمان درگیر این نوع مبارزه بودید؟

...

آقای نگهدار دلایلی که آوردید برای این‌که در آن زمان به مبارزه مسلحانه اقدام کردید یا اعتقاد داشتید خب دلایلی است که می‌شود الان هم [درباره آن‌ها] پرسید. چطور شد که در شرایط بعدی و در طول زمان شما نظرتان را عوض کردید و به این نتیجه رسیدید که الان مبارزه مسلحانه دیگر نتیجه‌ای ندارد.

**نگهدار:** دلیل اول که دلیل منطقی و عقلانی است، این‌که در درازمدت وقتی شما به مبارزه مسلحانه ادامه می‌دهید عملاً از آن اهدافی که فراروی خود قرار می‌دهید، مثلاً گسترش حقوق بشر، دموکراسی، بهبود وضعیت بین دولت و مردم، از آن‌ها به تدریج فاصله می‌گیرید و حتا در درون خود سازمان‌های مسلح نوعی فضای خشونت‌بار حاکم می‌شود.

دومین دلیل برمی‌گردد به وضعیت سیاسی. در آن زمان، نئوریسم‌های جنبش چریکی گفتند که شاه همه راه‌ها را به روی مردم بسته و فعالیت مدنی غیرممکن است. ولی بعد از انقلاب، به خصوص بعد از دهه سیاه ۶۰، فضای سیاسی شکسته شد. بعد از دوم خرداد ۷۶ و فعالیت مدنی به‌طور گسترده در جامعه جریان دارد و این ادعا که هیچ شکل مبارزه دیگری عملی نیست به جز مبارزه مسلحانه دیگر خریداری ندارد. یعنی وقتی شما عمل مسلحانه هم مرتکب می‌شوید، می‌بینید که در جامعه به جای تأثیر مثبت گذاشتن تأثیر منفی دارد.

اجازه بدهید ببینیم آقای حسن‌زاده که صحبت‌های شما را شنیدند، نظرشان چیست. آقای حسن‌زاده خب آقای نگهدار معتقدند که بعد از انقلاب و شاید از دهه هفتاد به بعد، به هر حال فعالیت‌های مدنی الان جریان دارد و مبارزات مسلحانه می‌تواند حتی اثر منفی داشته باشد. شما در این مورد چه نظری دارید؟

**آسو حسن‌زاده:** اصولاً من با طرح این مسأله که موافق یا مخالف مبارزه مسلحانه هستیم یا نه، مشکل دارم. هیچ انسانی که عقل سلیم داشته باشد و هیچ جریان سیاسی که مسؤول باشد، علاقه‌مند به جنگ و خونریزی و کشتار و این‌ها نیست؛ فارغ از این‌که ملت‌هایی که از حق سرنوشت برخوردارند، در مقابل زور و ستم می‌خواهند از خودشان دفاع کنند، بنا بر مصوبات بین‌المللی این حق را دارند که متوسل به شیوه‌های قهرآمیز مبارزه هم بشوند. ولی در واقع به جای این‌که ما بگوئیم که این شیوه از مبارزه را بر این شیوه ترجیح می‌دهیم یا موافق یا مخالف مبارزه مسلحانه هستیم یا نه، باید از خودمان بپرسیم که چه کار باید کرد ما به‌عنوان حزب دموکرات...

این پرسش دیگری است آقای حسن‌زاده. به هر حال به عنوان حزب دموکرات کردستان شما اقدام به عملیات مسلحانه را به‌طور رسمی از دستور کارتان خارج نکردید. بنابراین این پرسش دیگری است که باید شرایط چگونه باشد که حالا مبارزه مسلحانه بشود یا نشود.

**حسن‌زاده:** بله من این صحبت‌ها را عرض کردم، به‌خاطر این بود که شرایطی که آقای نگهدار تعریف کردند دقیقاً کاملاً مشابه با شرایطی است که الان وجود دارد. بر همه آشکار است که مثلاً در چارچوب جمهوری اسلامی مبارزه مدنی واقعاً با محدودیت‌ها و ظرفیت‌های بسیار محدودی که هست، کسانی که می‌خواهند از طریق مدنی و طرق مسالمت‌آمیز خواسته‌های خودشان را به نمایش بگذارند، مورد تعقیب قرار می‌گیرند.

اصولاً مبارزه مدنی در مقابل حکومتی می‌تواند معنی داشته باشد که خود این حکومت مدنی باشد و در مقابل حکومت‌های میلیتاری و سرکوبگر واقعاً صحبت از مبارزه مدنی بسیار مشکل است. با این حال هم به دلیل این‌که

مسأله کردستان رامحل نظامی ندارد، ما بر این باور بوده‌ایم و هنوز هم هستیم که مبارزه ما امروز باید یک مبارزه متعدد الابعاد باشد. یعنی همه بسترها و همه متدهای مشروع مبارزه اعم از مبارزه مدنی و انقلابی و یا سیاسی مسلحانه را با هم به صورت متناوب به کار بگیرد و یکی از روش‌های مبارزه را نباید مزاحم و یا تهدید بر روش دیگر مبارزه تلقی کرد.

اجازه بدهید من از آقای نگهدار بپرسم. آقای حسن‌زاده به نکته‌ای اشاره کردند و آن این‌که به هر حال حکومت در ایران قدرت مطلق را در اختیار دارد. ایشان از حکومت ایران با عنوان حکومت دیکتاتوری یاد کردند. می‌خواهم بدانم شما در این موضوع چه پاسخی دارید. مثلاً اگر برگردیم به همان زمانی که شما از تئوری‌ها صحبت کردید؛ آقای پویان در کتاب «ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء» صحبتش بر سر این است که قدرت مطلق حکومت و ضعف مطلق مردم و طبقه کارگر، باعث می‌شود که ما به مبارزه مسلحانه رو بیاوریم. تقریباً چیزی است که آقای حسن‌زاده می‌گویند.

**نگهدار:** بعد از کشاکش‌هایی که ما با حکومت در دهه ۶۰ داشتیم، در دهه ۷۰ و ۸۰ و الان در دهه ۹۰ به تدریج ما به حکومتی نزدیک می‌شویم که رأی مردم تا حدی در عرصه‌هایی تأثیر دارد در ساختار سیاسی و در رویکردهایی که حکومت در پیش می‌گیرد. ما در دوران قبل از انقلاب با رأی مردم اصلاً مواجه نبودیم و این‌ها محصول یک مبارزه طولانی مدنی با اقتدارگرایی و دیکتاتوری است.

یکی از نتایجی که ما می‌خواهیم از مبارزه مسلحانه بگیریم، این است که روی اقشار اجتماعی و مردم تأثیر بگذاریم و آن‌ها را به طرف اهداف خودمان نزدیک کنیم یا نیروهای سیاسی کشور را یا نیروهای بین‌المللی و جهانی را. اگر مبارزه مسلحانه ما این‌طور شود که مثلاً فقط قدرت‌های خارجی ببینند از ما حمایت نکنند، یا قدرت‌های منطقه‌ای که منافع منطقه‌ای دارند، ولی روی مردم کشور خودمان یا جامعه یا ملت یا قومی که داریم برایش مبارزه می‌کنیم تأثیر منفی بگذارد و آن‌ها را از ما دور بکند و ما را منزوی بکند، خب این کار اشتباهی است.

...

**نگهدار:** خب البته که فکت‌ها و شواهد بسیار است که تلاش‌های مردم کردستان برای این‌که آن هویت خودشان را، آن هستی خودشان را به منصفه ظهور برسانند و فرهنگ خودشان را پیگیری کنند، تکامل دهند و گسترش دهند، اتفاق افتاده.

الان موسیقی کردی یکی از ارکان موسیقی ملی ما شده و هر زمان هم بیش‌تر تمایل عمومی در سراسر ایران و به خصوص در منطقه کردستان، و نه فقط کردستان ایران بلکه به همت هنرمندان ایران در سراسر مناطق کردی این موسیقی شنیده می‌شود. زبان کردی همین امروز بر اساس تلاشی که مستمرراً فعالان کرد پی گرفته‌اند، امروز در برخی از مدارس، اگر نگوئیم تمام آن، تدریس می‌شود. اصل ۱۵ قانون اساسی که عده زیادی از فعالان دنبالش هستند که آن را بالاخره به اجراء در بیاورند.

شوراهای محلی عموماً این حق را به دست آوردند بعد از صد سال، بعد از انقلاب مشروطه و پنجاه سال بعد از انقلاب ایران بالاخره در همین اواخر که شوراها را تشکیل بدهند.

این‌که فعالیت مدنی ثمر ندارد یا نومید کردن مردم از این‌که خودشان برخیزند و از سرزمین خودشان، از فرهنگ خودشان از هستی خودشان دفاع بکنند، این حرف به نظر من نومیدکننده است، نباید یک چنین حرفی زد...

\*\*\*

توجه کنید اگر به جای فرخ نگهدار یکی از امام جمعه‌ها و یا وزراء و یا سخنگویان ریز و درشت حکومت اسلامی در همین رادیو بی‌بی‌سی وارد مناظره می‌شد بی‌تردید این همه از حکومت‌شان تعریف و تمجید نمی‌کردند. نمی‌گفتند زبان‌های مادری در ایران آزاد شود؛ هرگز نمی‌گفتند از نظر حاکمیت جمهوری اسلامی موسیقی کردی، ترکی، فارسی، عربی، لری، بلوچی، رشتی و غیره آزاد در ایران است. موسیقی در اسلام حرام است و روزی نیست که لغو کنسرت خوانندگان حکومتی در شهرهای مختلف ایران لغو نگردد و سیدی و فلم و کتاب و غیره دچار تیغ تیز سانسور حکومتی نگردد. هرگز نمی‌گفتند اعدام و آپارتاید جنیسی و... در ایران لغو شود.

به علاوه باید در مقابل این همه وقاحت نگهدار که تاکتیک مبارزه مسلحانه را مترادف با خشونت می‌داند؛ حتی این خشونت را به درون همه احزاب و سازمان‌های سیاسی می‌کشد و از مردم می‌خواهد گوش به سخنان اپوزیسیون سرنگونی طلب ندهند. چون آن‌ها خشونت طلب هستند و خشونت خشونت می‌آفریند. اما آلترناتیو به اصلاح «مدنی» و بدون «خشونت» نگهدار و همفکرانش چیست؟ او صریحاً به ما جواب می‌دهد: گوش به فرمان حکومت اسلامی باشید؛ به انتخابات آن دل ببندید، شوراها را اسلامی امروز همان شورای مطرح شده در دوران مشروطیت هستند بنابراین محکم به آن‌ها بچسبید! یا او در این مناظره در جایی می‌گوید؛ چون در دوران حکومت شاه انتخابات نبود مبارزه مسلحانه ای که آن دوره فرخ نگهدار هم مدافع سرسخت آن بود به حق بود. اما امروز انتخابات وجود دارد پس مبارزه مسلحانه غلط است و خشونت می‌آورد.

بحث من در این جا بر سر درستی و نادرستی و مخالفت و موافقت با مبارزه مسلحانه نیست. چون که تاریخ به صراحت نشان داده است هیچ کدام حکومت‌های سرمایه‌داری به خصوص مدل دیکتاتوری ملی، میلیتاریستی، فاشیستی و مذهبی آن هرگز دست از حاکمیت و سانسور و سرکوب بر نمی‌دارد مگر این که اعتصاب سراسری کارگران، زنان، دانشجویان، جوانان و همه نیروهای فرهنگی و اجتماعی پیشرو و مترقی حکومت را تکان دهد و مبارزه مسلحانه نیز برای حمایت از این مردم در مقابل حملات وحشیانه ارتش، پولیس علنی و مخفی، سپاه، بسیج، اطلاعات، گروه‌های حزب‌الله و غیره یک تاکتیک درست و ضروری است نه دل خواهی! حکومت‌های وحشی چون حکومت اسلامی ایران که نگهدار و همفکرانش به آن دلبستگی دارند عامل اصلی خشونت و تولید هر روزه آن در جامعه ایران است و با سیاست‌های وحشیانه‌ای که اتخاذ می‌کند اکثریت جمعیت ایران را در استرس و نگرانی دائمی، از امنیت شغلی و مالی گرفته تا جانی! سیاست‌هایی که چهل سال است مانند هیولائی نفرت‌انگیز بر جان و مال مردم جامعه ایران چنگ انداخته است. هیولائی که روزانه خون انسان‌های بی‌گناه را می‌مکد و می‌خورد. انسان‌ها را در میدین شهرها، ساعت‌ها از جرثقیل آویزان می‌کنند و در زیر شکنجه می‌کشند و گروه‌گروه اعدام می‌کنند. در خیابان‌ها به روی زنان «بدحجاب؟!» اسید می‌پاشند و زیر ماشین نیروی انتظامی له می‌کنند و در زندان‌ها به زن و مرد تجاوز می‌کنند. اموال عمومی کشور را غارت می‌کنند در حالی که اکثریت مردم ایران نگران تأمین نیازهای اولی زندگی خود هستند. حکومت اسلامی، تنها حکومتی در جهان است که کودکان را نیز اعدام می‌کند. کودکان کار و خیابان به شدت استثمار می‌گردند و در زیر بهره‌کشی و در معرض دائمی انواع و اقسام سوءاستفاده‌ها قرار دارند و...

آیا نگهدار و همفکرانش این همه وحشی‌گری حکومت اسلامی را نمی‌بینند و نمی‌شنوند که این چنین وقیحانه و بی‌شرمانه حکومت اسلامی را حکومت اصلاح طلب و مدنیت دوست معرفی می‌کنند؟! آیا این‌ها پیش وجدان خودشان کمی هم از این دروغ‌بافی‌هایشان و حمایت از تبه‌کاران و جنایت‌کاران و آدم‌کشان خجالت می‌کشند؟

در حال حاضر دو نفر از چهار نفر «هیأت مرگ» که به فرمان خمینی، در مدت کوتاهی هزاران زندانی را بی‌سرصدا و مخفیانه اعدام کردند یکی پورمحمدی است که در چهار سال گذشته وزیر دادگستری دولت روحانی، یعنی ماشین کشتار بوده است و دومی رئیسی است که کاندید ریاست جمهوری بود و ...

اگر نگهدار در رادیو بی‌بی‌سی طرفداران مبارزه مسلحانه را خشونت طلب می‌داند لابد این را هم می‌داند که فرخ نگهدار به جناح‌های حکومت اسلامی دل باخته هر کدام از آنها، اگر از فردی یک اطلاعات خشک و خالی سازمان‌ها و احزاب سرنگونی طلب را بگیرند اگر او را جا به جا نکنند دست و پا زیر شکنجه می‌شکنند و اگر مسلح دستگیر شود بلافاصله اعدام می‌کنند. باید مدال وقاحت را به سینه این تحلیل‌گر انداخت و گفت چه کسی طرفدار خشونت است شما و یا انسان‌های مبارزی که برای آزادی و برابری و عدالت اجتماعی علیه این حکومت جانی و قرون وسطائی مبارزه می‌کنند و در صورت نیاز دست به اسلحه نیز می‌برند. پس فرخ نگهدار و همفکرانش طرفدار سفت و سخت زندان، شکنجه، اعدام و استثمار حکومت اسلامی و دست‌کم جناح اصلاح طلب آن هستند!

راستی نگهدار، فرزاد کمانگر را چرا اعدام کردند؟ چرا ده‌ها تن از فعالان اپوزیسیون را در کشورهای مختلف ترور کردند؟ چرا و به چه گناهی پوینده و مختاری و حاجی‌زاده و فرزند ده ساله وی... را ترور کردند؟ چرا زن و شوهر پیر فروهرها را با ضربات متعدد چاقو کشتند؟

چرا بهنام ابراهیمزاده، آتنا دائمی، عدنان حسین، محمد نظری، اسماعیل عبدی، مصطفی سلیمی، رضا ملک، ماهر کعبی، نرگس محمدی و هزاران زندانی دیگر، چه جرمی مرتکب شده‌اند که در زندان‌های حکومت اسلامی از اعتصاب غذا و عدم درمان و بهداشت گرفته تا انواع و اقسام شکنجه‌ها و فشارهای روحی و روانی هر لحظه جان‌شان را تهدید می‌کنند؟ و ...

بنا به گزارش خبرگزاری هرانا، دو مرد جوان (تقی ۳۰ ساله و پرویز ۳۱ ساله) صبح دیروز (۱۱ خرداد [جوزا] ۱۳۹۶ - ۱ جون ۲۰۱۷) در شعبه یازدهم دادگاه کیفری استان تهران، به اتهام سرقت پای میز محاکمه ایستادند. یکی از این دو متهم گفت که برای تأمین هزینه‌های شیمی‌درمانی همسر سرطانی‌ام، ناچار به سرقت بودم. در پایان محاکمه قضات وارد شور شدند و هر دو متهم را به قطع دست محکوم کردند.

بلی همه این فاکت‌ها و فجایع انسانی، به‌سادگی به جریان‌ها و افرادی مانند نگهدار و همفکرانش می‌گوید که شما دروغگو و یک دلال سیاسی منفعت‌طلب و سودجو به تمام معنا هستید. بنابراین خلاف نظریه پردازی‌های شما، نه تنها حکومت اسلامی در چهار دهه گذشته، هیچ قدمی در راستای رفم و اصلاحات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر نداشته تا چیزی ناچیزی هم عاید مردم شود، بلکه طرفدار حکومتی هستید که بقای خود را تنها در تشدید استبداد و سانسور و زندان و اعدام و ترور و غارت و بهره‌کشی دایمی یافته است.

به‌دین ترتیب، روشن است که فرخ نگهدار و همفکرانش هرگز دست از این سیاست‌های شنیع و چن‌دش‌آور برنمی‌دارند و همچنان به کسب و کار خود در راه دلالتی سیاسی ادامه می‌دهند!

جمعه دوازدهم خرداد [جوزا] ۱۳۹۶ - دوم جون ۲۰۱۷